



تاریخ اجتماعی - فکری شیعه اثناعشری در هند

جلد اول

سید الطاهر عباس ریاضی، منصور معتمدی

- ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- وابسته به نشر تبلیغات علمی حوزه علمیه قم
- تهیه: پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (ع)
- سرپرستار: محمد حسینی
- ویراستار: وحید حامد
- لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه سوره بوستان کتاب
- چاپ اول: زمستان ۱۳۹۶
- شمارگان: ۱۱۰۰
- قیمت دوره: ۱۰۰۰۰۰ تومان
- عنوان: ۱۳۹، مسلسل: ۷۱۲

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشانی: قم، خیابان معتمد، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، سرپوشه دوم و فرهنگ اسلامی

تلفن و دورنگار: ۰۰۶۵-۳۷۸۳۲۸۳۳، فکس: ۳۷۱۸۵۰۳۶۸۸، ۳۷۱۵۹۱۶۵۹۱

مراکز پخش: ۱. قم، میدان شهید، تلفن و دورنگار: ۳۷۸۳۲۸۳۳

۲. تهران، خیابان انقلاب، دورنگار و تلفن: دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده

طبعة همکتاب، واحد ۳۱۲، تلفن: ۶۶۸۵۱۵۳۴

وب گلد: www.pub.isca.ac.ir، رایانه: nash@isca.ac.ir

فروشگاه مجازی نشی: newwww.shop.isca.ac.ir، فروشگاه نشر دیجیتال: www.pub.phaan.ir

سرشناسه: رضوی، سید الطاهر عباس، ۱۹۲۱- م.

عنوان نام پدیدآور: تاریخ اجتماعی - فکری شیعه اثناعشری در هند / سید الطاهر عباس رضوی؛ مترجم

منصور معتمدی؛ تهیه پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (ع)

مشخصات نشر: قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و

فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری: ج.

شابک: (دوره): ۱۰۰۰۰۰۰ ریال

شابک: (ج ۱): ۷۷۶ ص

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: A Socio-Intellectual History of the Isma' Ashari Shi'is in India

یادداشت: کتابنامه: ص [۶۲۵] - ۱۷۰۴ همچنین به صورت زیر نویس

یادداشت: نمایه

موضوع: شیعه

موضوع: شیعه - هند - تاریخ

شناسه افزوده: معتمدی، منصور، ۱۳۵۰، مترجم

شناسه افزوده: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و

فرهنگ اسلامی، پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (ع)

رد پندی کنگره: ۱۳۹۶، ۲، ۱۶۷/۶، BP

رد پندی دیویی: ۲۹۷/۹۱۶۵۴

شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۳۷۷۸۹

فهرست

۱۱	سخنی با خواننده.....
۱۵	مقدمه مترجم شیعه در هند.....
۲۵	مقدمه.....

فصل اول: آغاز شیعه اثناعشری

۴۰	علی بن ابی طالب (ع).....
۵۷	فاطمه (ع) و فرزندان.....
۶۰	خلافت.....
۱۰۳	جانشینان امام حسین (ع).....
۱۳۱	امامت.....
۲۱	بزرگان تشیع.....
۱۱۱	اصحاب شیعه پیامبر (ص).....
۱۵۵	شیعیان برجسته در میان تابعین و تبع تابعین.....
۱۷۱	مفسران، محدثان، فقیهان و متکلمان شیعه.....
۱۷۱	از قرن اول تا پنجم هجری.....

۲۰۶ قرن ششم تا دهم هجری

فصل دوم: تشیع در شمال هند

۲۳۵	 بیان شهبانی
۲۳۶	 زید سر سند
۲۴۱	 اسماعیلیه در سند
۲۵۱	 اسماعیلیا دجرات
۲۵۲	 اسماعیلیان حلی
۲۵۸	 نخستین صوفیان سب و نل بیت
۲۶۱	 سادات و تشیع
۲۶۴	 شیعه اثناعشری در هند
۲۶۸	 علاءالدوله سمنانی، شاه نعمت الله ولی و مریدانشان
۲۷۸	 تشیع در کشمیر
۳۰۸	 بابر و شیعه
۳۱۷	 همایون و تشیع
۳۲۹	 تشیع در عهد سلطنت اکبر
۳۶۰	 شاه فتح الله شیرازی
۳۶۷	 ملا احمد توی
۳۷۹	 منصب داران ایرانی

فصل سوم: شیعه در دکن

(شیعیان ایرانی مهاجر و نقش آنها در دربار سلاطین دکن)

۳۹۵	 بهمنیان دکن
۳۹۸	 فضل الله انجو

۴۰۲	فرزندان و نوادگان شاہ نعمت اللہ ولی
۴۰۹	محمود گاوآن
۴۱۶	سقوط بہمنیہ و جانشینان آنها
۴۱۸	شاہی بیجاپور
۴۴۹	نظام ہیان احمد نگر
۴۴۹	شاہ طاہر
۴۶۶	قطب شاہی گلکنڈ
۴۸۳	میر محمد مؤمن ستر آستان
۴۸۸	عاشورخانہ
۴۹۷	برگزاری مراسم اسلامی
۵۰۷	روزگار پس از میر مؤمن
۵۱۰	سیاست مغولان و آیندہ نظام قطب شاہی
۵۱۷	آثار علمی ابن خاتون
۵۱۹	جانشینان ابن خاتون
۵۳۱	پژوہشگران و شاعران قطب شاہی
۵۳۴	سرانجام نظام قطب شاہی

فصل چہارم: قاضی نور اللہ شوشتری

۶۳	قاضی نور اللہ شوشتری
۵۵۴	ایجاد بیداری شیعان
۵۹۱	شہادت قاضی نور اللہ
۶۰۲	آثار قاضی نور اللہ

تفسیر ۶۰۲

موضوعات دیگر ۶۰۴

نتیجه گیری ۶۰۷

پیانامه ۶۲۵

عربی ۶۲۵

فارسی ۶۴۴

اردو ۶۷۶

زبان های اروپایی ۶۸۳

نمایه

آیات ۷۰۵

روایات ۷۰۸

اعلام ۷۰۹

کتاب ها ۷۵۱

مکان ها ۷۶۴

فهرست علائم اختصاری

نسخه خطی علیگره	در کتابخانه مولانا آزاد، دانشگاه اسلامی علیگره، علیگره، هند؛
نسخه خطی آصفیه	نسخه خطی کتابخانه آصفیه قدیم، موجود در آرشیو آندراپرادش، حیدرآباد، دکن، هند؛
پن	فرزند؛
بلاذری	انساب الاشراف؛
بانکی پور	نسخه‌های موجود در فهرست نسخ خطی عربی و فارسی در کتابخانه شرقی در بانکی پور، پتنا، هند؛
بی‌بها	تذکره بی‌بها نوشته سید محمد حسین نوانوی؛
بروکلمان	Geschichte der Arabischen Litratur;
بوهار	نسخه‌های خطی موجود در مجموعه‌های بوهار، کتابخانه ملی، کاتنه؛
دی. پی	نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه وزارت هند، لندن؛
EI ²	دایرةالمعارف اسلام، ویرایش دوم؛
Ethe	نسخه‌های خطی موجود در فهرست نسخه‌های خطی فارسی در وزارت هند، لندن؛
هیگ	تهیه شده به دست ا.ج. ای. ائی؛
آری. ا.	منتخب التواریخ ترجمه انگلیسی به دست دابلو. هیگ؛
ابن ابی‌الحدید	کتابخانه وزارت هند، لندن؛
	شرح نهج البلاغه؛

ابن اثیر	الکامل فی التاريخ؛
ابن ندیم	کتاب الفهرست؛
ابن سعد	کتاب الطبقات الكبير؛
ابن باز حسد	کشف الحجب والاسرار؛
ایوانه	نسخه‌های خطی موجود در فهرست نسخه‌های خطی مختصر نسخه‌های خطی فارسی در مجموعه جامعة آسیایی بنگال، کلکته؛
کشی	منهاج اخبار الرجال؛
کلینی	الاصول من الکافی، تهران: [بی تا]، با ترجمه فارسی؛
لووی	کتاب تاریخ جلد دوم، ترجمه انگلیسی به دست دابلیو. اچ. لووی؛
مفید	سیر الارباب، نوشته شیخ مفید، ترجمه انگلیسی به دست آی. کا. ا. هووارد؛
بی تا	بی تاریخ؛
نجاشی	کتاب الرجال
نزه	نزه الخواطر اثر عباسی
رامپور	نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه راء، رامپور؛
ریو	نسخه‌های خطی موجود در فهرست نسخ خطی در موزه بریتانیا لندن؛
سالار جنگ	نسخه‌های خطی موجود در موزه سالار جنگ، دله، نکر، هند؛
سیتو	سیر المتأخرین؛
استوری	ادبیات فارسی، زندگی‌نامه خودنگاشته، نوشته سی. ا. استوری؛
طبری	تاریخ الرسل والملوک؛
تکمله نجوم	تکمله نجوم السماء نوشته میرزا محمدمهدی؛
طوسی	الفهرست؛
یعقوبی	التاریخ؛

سخنی با خوانندگان

آگاهی مردمان هر کشور و منطقه و پیروان هر دین و مذهبی از وضعیت گذشته و حال خود، نقش تعیین کننده در بر سر سرکت آینده آنان و سمت و سوی آن دارد؛ از این رو خواسته و آرزوی دیرینه همه پژوهشگران حوزه تاریخ و علم و فرهنگ، به ویژه بزرگان شیعه، آگاهی از وضعیت عمومی پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) مشتمل بر وضع سیاسی، مذهبی، فرهنگی، علمی، اقتصادی، تمدنی و شناخت نقاط قوت و ضعف و گرفتاری ها، آسیب ها و آفت ها و راه های برون رفت از آنها در گذر جهان دیروز و امروز بوده و هست.

شماری از پژوهشگران در گذشته و حال، بخشی از این بار را بر سر گرفته و به مقصد نزدیک کرده اند؛ اما همچنان مسائل و موضوعات بسیار و زوایای ناکاوید فراوانی در این مورد وجود دارد که نیازمند پژوهش جدی و عمیق است. یکی از وظایف مهم پژوهشگران این زمان به ویژه پژوهشگران شیعی مذهب، ادامه راه گذشتگان و کاوش زوایای پنهان و ناشناخته گذشته پیروان این مکتب در اقصی نقاط جهان و جبران کم کاری گذشته است، به خصوص آنکه برخی از محققان غربی و اهل سنت در پژوهش های خود درباره این آیین و پیروانش از جاده انصاف فاصله گرفته و گاه مطالب ناصوابی را به آنان نسبت داده اند.

سید اطهر عباس رضوی از جمله افرادی است که به بحث و نظر در این خصوص پرداخته است. اثر وی درباره تاریخ اجتماعی - فکری شیعه اثناعشری در هند از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. نویسنده در این اثر ضمن اشاره به تاریخ تشیع و معرفی بزرگان شیعه در صدر اسلام و شرح حال برخی بزرگان و شخصیت‌های شیعی به تشیع در هند پرداخته است.

سید اطهر عباس رضوی جلد اول را با تشیع در عصر نبوی شروع کرده و به قاضی نورالله شوشتری خاتمه داده است. نویسنده در این جلد تشیع در شمال هند، کشمیر، دکن و بیجاپور را بررسی و در ضمن آن برخی شخصیت‌های مهم مانند علاءالدوله سمنانی، شاه نعمت‌الله و قاضی نورالله شوشتری را معرفی کرده است. وی در جلد دوم، زوایای گوناگون تاریخ شیعیان هند در سه قرن هفده، هجده و نوزده میلادی را در محورهای علمای شیعه و نقش آنان در تبلیغ اذهب، امور سیاسی، تألیف آثار، مقابله با استعمار، بیداری اسلامی، تعامل با استعمار، رسم‌های ملی و مذهبی شیعیان در شهرهای مختلف هند بررسی کرده است. از جمله درباره علمای شیعه و تلاش‌های علمی و فرهنگی آنان برای بقا و گسترش تشیع و حفظ آن در هند شمالی، نقش قاضی نورالله شوشتری و پسرانش در این زمینه، تنش‌های شیعه و مسلمانان، تعامل عالمان شیعی با حکومت‌های هند به‌ویژه بابریان، حکومت‌های شیعی هند، نقش شیعیان در مقابله با استعمار، سهم شیعیان در علم، فلسفه و ادبیات هند، روابط عالمان شیعی با عالمان ایران و عراق، مهاجرت علمای شیعی ایران به هند، تأثیر آثار و افکار فلاسفه ایران بر علمای شیعه هند، آثار عالمان شیعی هند در حوزه‌های مختلف علمی، تاریخ‌نویسی و شعر و نثر فارسی و اردو در هند، بزرگداشت عاشورا و آیین‌های مربوط به آن در مناطق مختلف هند، مواضع شیعه در برابر نوگرایی و افکار سرسیداحمدخان، بیداری اسلامی و شیعیان و ... به پژوهش و تحلیل و نقد پرداخته است. نویسنده با مراجعه به منابع فراوانی به زبان‌های اردو، عربی، فارسی و انگلیسی اطلاعات تازه

فراوانی را گردآوری، دسته‌بندی و تحلیل کرده و انصافاً کار مفید و ارزنده‌ای ارائه کرده است.

پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) که پژوهش در زوایای مختلف مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) و پیران آنان را وظیفه خود می‌داند، ترجمه این اثر را در دستور کار خود قرار داد و آن به دو تن از پژوهشگران توانمند حوزه تاریخ تشیع واگذار کرد. تذکر این نکته لازم است که جلد نخست این اثر پیش از این توسط گروهی از پژوهشگران، ترجمه و در بوستان کتاب، منتشر شده بود؛ اما به جهت اشکالات فراوان بازترجمه آن ضروری می‌نمود؛ از این رو جناب آقای دکتر معتمدی این مهم را به انجام رساند و ترجمه‌ای روان و مناسب عرضه داشت. سال دوم آ را جناب آقای عبدالحسین بینش ترجمه و در معرض دید محققان و اندیشمندان عرضه تاریخ تشیع قرار داد.

ترجمه این اثر و به‌ثمرنشتن آن بیون تلاش‌های علمی مترجمان محترم و تلاش‌های ارزنده این عزیزان است؛ مدبر این مجموعه تاریخی تشیع حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای سیدقاسم رزاقی، ارزانیان محترم و اعضای محترم شورای پژوهشی پژوهشکده آیت‌الله محمدهادی یوسفی سروری، حاج آقا آلام آقایان رمضان محمدی، محمدجواد صاحبی، مصطفی صادقی و آقایان دکتر معتمدی، فخری فروشانی و دکتر سیدحسین فلاح‌زاده، مدیر محترم امور پژوهشی حجت‌الاسلام مهدی نورمحمدی، کارشناس محترم گروه جناب آقای سعید نجفی‌نژاد و نشر پژوهشگاه که فرایند آماده‌سازی این اثر و چاپ و نشر آن را بر عهده داشت؛ توفیق یکایک ایشان را آرزومندم.

همچنین از رئیس محترم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر نجف لک‌زایی تشکر می‌کنم که بدون پشتیبانی و یاریگری بی‌دریغ و مؤثر ایشان، پژوهش حاضر به سرانجام نمی‌رسید.

پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) در راستای حیات و بالندگی علم و دانش، آثار

خود را در اختیار جامعه علمی قرار داده و از انتقادهای و پیشنهادهای علمی همه استادان، صاحب نظران و پژوهشگران محترم استقبال می کند. امید است این فعالیت های علمی زمینه ساز رشد و پویایی دانش تاریخ و به دنبال آن تمدن اسلامی گردد.

دکتر حمیدرضا مطهری

رئیس پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (ع)

www.Ketab.ir

مقدمه مترجم شیباز در هند

درباره مؤلف

سید اطهر عباس رضوی^۱ در سال ۱۹۲۱ م/ ۱۳۰۰ ه. ش دیده به جهان به گشود. تحصیلات عالی خود را در دانشگاه آگره^۲ و عذگره و دانشگاه لندن^۳ به انجام رساند. سپس در دانشگاه‌های گوناگون به تدریس و تحقیق در زمینه تاریخ، تاریخ اسلام و تاریخ هند و زمینه‌های مرتبط با فرهنگ و تمدن اسلام به‌ویژه جلوه‌های آن در شبه‌قاره هند پرداخت. مدتی مدیر گروه تاریخ دانشگاه جمرو کشمیر بود. و چندی نیز سمت دبیری تاریخ نهضت آزادی در دولت ایالتی اوترپرادش را بر عهده داشت. همچنین در دانشگاه‌های جواهر لعل نهرو، دهلی نو، دانشگاه اسلامی علی‌گرنج به فعالیت علمی اشتغال داشت. در سال‌های ۱۹۶۳ - ۱۹۶۲ م. عضو وابسته پژوهشی «مدرسه مطالعات شرقی و

۱. «رضوی» که در منابع فرنگی به صورت «Rizvi» ثبت می‌شود، تلفظ اردوی «رضوی» ارسی است؛ در اردو «رضوی» به سکون «ض» یا «رضوی» تلفظ می‌شود. بیشتر اعضا و شاخه‌های این خاندان پیرو مذهب سنی و دوازده امامی‌اند و شمار اندکی از رضوی‌های شبه‌قاره اهل سنت‌اند. نسب سادات رضوی و جوادی شبه‌قاره از طریق موسی المبرقع (۲۹۶ - ۲۱۴ ق.)، فرزند امام محمد تقی علیه السلام به امام رضا علیه السلام می‌رسد. اطلاعات مربوط به مؤلف مندرج بر لبه برگردان روکش این کتاب است.

2. Muzaffar Alam and Subrahmanyam Sanjay; *Writing the Mughal World: Studies on Culture and Politics*; p. 18.

۳. مشاهیر مدفون در حرم رضوی؛ زیر نظر غلامرضا جلالی؛ ج ۲، ص ۲۳۹.

آفریقایی دانشگاه لندن» و در ۱۹۶۹م. نیز عضو همکار (fellow) در آن مؤسسه بود. رضوی از سال ۱۹۶۷م. به دانشگاه ملی کانبرا در استرالیا رفت و تدریس و پژوهش در گروه تمدن‌های آسیایی این دانشگاه را آغاز کرد و تا پایان عمر در همان مؤسسه به کار علمی اشتغال داشت.

این پژوهشگر نامور در آثاری که بر جای نهاده، شرط تتبع و جستجوی جامع را به جای آورد است و افزون بر منابع چاپی، حتی به اکثر یا اهم نسخه‌های خطی مرتبط نیز مراجعه کرده است. استحصال این نسخه‌ها از کتابخانه‌های جهان - آن هم در دهه‌های پیشین - مستلزم سهل‌انج و زحمت فراوان بود که مرحوم رضوی در این راه چیزی فروگذار نکرده و به آنها به تبعه و استناد کرده است. بی‌گمان یکی از علل استقبال از آثار این پژوهشگر و اینکه بیشتر شاه‌های او در زمینه تخصصی مطالعات دوره اسلامی هند، جزو آثار کلاسیک و مس‌رجوع و ارجاع پژوهندگان شده، همین استقصا و تتبع بسیار است.

سید اطهر عباس رضوی شیعه‌ای معتقد بود و ارادت خاصی به امامان معصوم علیهم‌السلام و به‌ویژه امام رضا علیه‌السلام داشت و چند بار برای زیارت آن حضرت به مشهد مشرف شد و در واپسین سفر زیارتی‌اش به مشهد در این شهر از دنیا رفت و در شهر رضوی به خاک سپرده شد. در کتاب مشاهیر مدفون در حرم رضوی، سال درگذشت آن مرحوم ۱۳۶۰ شمسی ثبت شده که به نظر درست نمی‌رسد، چون در برخی منابع، سال وفات ایشان ۱۹۹۱م. گفته‌اند^۱ که برابر ۱۳۷۳ خورشیدی می‌شود. شاهد دیگر اشتباه بودن سال ۱۳۶۹ آن طبق یادداشتی که یکی از اعضای بعثه رهبری در ایام حج و در ۱۵ خرداد ۱۳۷۰ برابر ۲۱ ذی‌قعدة ۱۴۱۱ق. نوشته، سید اطهر عباس رضوی در سال ۱۳۷۰ به بعثه مراجعه کرده که معلوم می‌شود رضوی دست‌کم در سال ۱۳۷۰ در قید حیات بوده است. از آنجاکه این

1. S.A. Rizvi; *A History of Sufism in India: the dust jacket blurb.*

یادداشت دربردارنده اطلاعات ارزنده‌ای درباره‌ی مرحوم رضوی و عشق و ارادتش به تشیع و ایران و دانش‌طلبی و علم‌اندوزی است، آن را عیناً نقل می‌کنیم:

امروز آقای سید اطهر عباس رضوی استاد دانشگاه کامبریا [کذا] و مدرس تاریخ اسلام در ... و خیرمیان، ضمن مراجعه به بعثه حضرت آیه‌الله خامنه‌ای، با آقایان جنتی، سید ... روحانی، فهری و حسن ابراهیمی دیدار کرد. آقای رضوی از مسلمانان شیعه‌مذهب هند الاصل است و به زبان فارسی تقریباً تسلط دارد. آقای رضوی که تاکنون سی جلد کتاب تألیف کرده است و علاقه‌مند به تحقیق در زمینه تاریخ اسلام و عرفان و فلسفه است، بعد از اتمام عمرش می‌گذرد. در این ملاقات که به تقاضای آقای رضوی برگزار شد، نامبر ... کتابی چون حاشیه حضرت امام بر فصوص الحکم، اسرار الصلوة و دیگر کتب عرفانی و فلسفی حضرت امام را درخواست کرد.^۱

مهم‌ترین آثار سید اطهر عباس رضوی بدین شرح است:

1. *Freedom Struggle in U.P.*, vol. I-VI, U.P. Government, Lucknow, 1957-61.
2. *Muslim Revivalist Movement in Northern India in the 16th and 17th Centuries*, Agra, 1965.
3. *Fathpur Sikri*, New Delhi, 1972; *Fathpur Sikri*, (in collaboration with V. J. A. Flynn), Bombay, 1975.
4. *Alakhnanda*, Aligarh, 1971.
5. *Religious and Intellectual History of the Muslims in Akbar Reign 1556-1605*, New Delhi, 1975.
6. *Shah Wali-Allah and his Times*, Canberra, 1980.
7. *Iran: Royalty and Revolution*, Canberra, 198.

۱. مرتضی سرهنگی و دیگران: سیمای حج در سال ۷۰؛ گزارشی از فعالیت‌های بعثه مقام معظم رهبری؛ ص ۷۷.

8. *Landmarks of South Asian Civilizations: from Prehistory to the Independence of the Subcontinent*, New Delhi, Munshiram Manuharlal, 1983.
9. *The History of Islam*, vol. II, Cambridge, 1970.
10. *The Cultural History of India*, Oxford, 1975.
11. *The World of Islam*, London, 1976.
12. *Islamic Spirituality: Manifestations*, ed. By S. Hossein Nasr, New York, the Crossroad Publishing Company, 1997.
13. *A Socio-Intellectual History of the Isna 'Ashari Shi'ism in India*, 2 vols. Canberra, 1986.

که همین کتاب را در اساس کتاب زیر را نیز به زبانی غیر از زبان انگلیسی نوشته است:

۱. تاریخ هند در قرون وسطا (به زبان: هندی) - ۱۰ جلد، دانشگاه اسلامی علیگره، ۱۹۶۲ - ۱۹۵۵ م.

۲. ترجمه هندی مقدمه ابن خلدون، لکهنو، ۱۹۶۱.

۳. حقایق هندی، وارانسی، ۱۹۵۷ م.

حاصل تحقیقات و مطالعات دکتر رضوی افزون بر نشریات بین المللی در کتاب های ذیل هم به طبع رسیده است:

تقریباً همه کتاب های رضوی چندین بار چاپ شده است. مثلاً کتاب تاریخ تصرف در هند از سال ۱۹۷۸ تا ۲۰۰۳ م. شانزده نوبت چاپ شده است.

درباره ترجمه قبلی و باز ترجمه کنونی

آشنایی مترجم با آثار قلمی سید اطهر عباس رضوی به سال ۱۳۷۲ باز می گردد؛ زمانی که دانشجوی کارشناسی ارشد بودم و برای درس زبان تخصصی که با مرحوم دکتر مرتضی اسعدی داشتیم قرار شد تکلیف درسی انجام دهیم و من بخشی از کتاب تاریخ

تصوف در هند را که از سرفصل‌های دروس کارشناسی ارشد ادیان و عرفان بود، به عنوان تحقیق درسی برگزیدم. در میان کار، هنگامی که تتبع جامع مؤلف و رجوع او به منابع بسیار را دیدم به ترجمه کل کتاب تصمیم گرفتم. موضوع را با استادم شادروان دکتر سعدی در میان گذاشتم و آن مرحوم با آن روحیه دستگیری و تشویق‌کنندگی‌اش تصمیم می‌داد که این کار را به مرکز نشر دانشگاهی داد. کار ترجمه جلد نخست در سال ۱۳۷۵ به پایان رسید و سرانجام در سال ۱۳۸۰ به چاپ رسید.^۱

در پایان سال ۱۳۷۶ بود که همچون همیشه مشغول سیاحت هفتگی در کتاب‌فروشی‌های تهران بودم که چشمم به کتاب شیعه در هند افتاد و بی‌درنگ آن را تهیه کردم. تا آن زمان می‌پنداشتم تاریخ تصوف در هند نخستین اثر از آثار پرشمار مرحوم رضوی است که به فارسی برگردان می‌شود و از این بابت خوشحال بودم که نخستین گام در معرفی یکی از برجسته‌ترین مبلغان هندی به مخاطبان ایرانی را برداشته‌ام؛ ولی با دیدن کتاب دریافتم که این کتاب به قدری غنی و گسترده است که از تراوش‌های خامه آن مرحوم را ترجمه و منتشر کرده‌اند. البته بیشتر وصف کتاب را بارها از زبان استادم، آقای دکتر فتح‌الله مجتبیایی شنیده بودم و حتی با نظر به تعریفی که حضرت ایشان از این کتاب می‌کردند، در نظر داشتم پس از پایان ترجمه تاریخ تصوف در هند به برگردان این کتاب مبادرت ورزم. این بود که تا نام رضوی و کتابش را دیدم، مشتاقانه آن را خریدم. در آن سال‌ها هم دانشجوی دکتری بودم و هم دبیر آموزش و پرورش در شهرستان سنقر کلیایی و به ناچار هر هفته باید بین شهر محل خدمت و تهران رفت و آمد می‌کردم. کتاب و ساک در دست در اتوبوس شهری مسیر پایانه غرب با اشتیاق شروع به مطالعه کتاب کردم؛ هرچه پیشتر رفتم، انتظارم برآورده نشد و آتش شوقم رو به فسردگی

۱. سید اظهر عباس رضوی، تاریخ تصوف در هند؛ ترجمه منصور معتمدی؛ مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰. متأسفانه بعد از گذشت ۱۶ سال هنوز کار ترجمه جلد دوم به پایان نرسیده است. امیدوارم ترجمه نیمه باقیمانده جلد دوم تمام و کل کار منتشر شود.

نهاد. ناگفته نماند که در همان نگاه نخست هنگامی که روی جلد کتاب دیده بودم که نام مؤلف را به جای «اطهر عباس» نوشته‌اند: «عباس اطهر» دانستم که کار مشکل دارد؛ ولی باز به روی خود نیاوردم و با خود گفتم شاید متن را درست ترجمه کرده باشند. در مسیر هشت اعته تهران به سنقر نیز تا جایی که روشنایی و نور کم‌سوی چراغ اتوبوس مجال داد، کار خواندن و حاشیه‌نویسی و غلطگیری را ادامه دادم؛ چنان‌که به مقصد نرسیده، مواد و مطالب یک مقاله انتقادی از ترجمه کتاب فراهم آمد. به بیان دیگر، متن ترجمه چنان غلط و سهواً با تورق و نه مطالعه کتاب، آن هم در اتوبوس شهری و بین شهری مواد و مطالب اصلی کتاب فراهم آمد. کتاب‌هایی از این دست سرشار از اصطلاحات و اسامی اعلام و اربابان فارس و عربی‌اند و در صورتی کار ترجمه چنین آثاری سامان می‌یابد - مترجم از سویی به‌نیکی با موضوع آشنا باشد و از سوی دیگر منابع را بشناسد و بتواند تا آنجا که ممکن دارد به آنها مراجعه و مطالب و قطعات نقل‌شده و حتی استفاده و استنباط‌شده را در ترجمه خود با نظر به اصل متون انجام دهد. برای نگارش دقیق‌تر نقد لازم بود برانگیختن متن، برگردان فارسی با متن انگلیسی اصل کتاب را در اختیار داشته باشم که در سفر کوتاه بعد از تهران و طرح مسئله در محضر خانم دکتر آذرمیدخت مشایخ فریدنی، ایشان لطف کردند و نسخه انگلیسی را در اختیار نهادند. با تطبیق بخشی از متن انگلیسی با متن فارسی، نقد خود را بر کتاب سامان دادم و با مشورت با استاد مصطفی ملکیان و پایمردی ایشان، نقد در اختیار آینه پژوهش قرار گرفت و انتشار یافت.^۱

نشریه آینه پژوهش از واحدهای زیرمجموعه دفتر تبلیغات اسلامی قم است و از آنجاکه ترجمه کتاب از انتشارات این دفتر بود و از سوی دیگر با توجه به نگاهی که در کشور ما عموماً به نقد وجود دارد، انتظار نداشتم که آینه پژوهش بپذیرد این نقد را منتشر

۱. منصور معتمدی: «آیا ابو حامد غزالی حکومتی تشکیل داد: مروری بر کتاب شیعه در هند» ص ۲۸ - ۲۲.

کند؛ ولی با شگفتی باید گفت که نقد یادشده در این نشریه انتشار یافت و شگفت‌آورتر آنکه روزی از استاد محمدعلی مهدوی‌راد که آن ایام سردبیر نشریه بودند، شنیدم که همین نقد باعث شده بود متولیان دفتر تبلیغات از ادامه کار ترجمه و چاپ و نشر جلد دوم دریاری‌نند. این تصمیم نشانه روحیه علمی و نقدپذیر و ارزش قائل شدن آن عزیزان برای کار درست در امر ترجمه بود.

ده - دوازده - هالی از زمان انتشار این نقد گذشت تا اینکه روزی از پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در تبلیغات با دفتر این بنده در دانشگاه فردوسی تماس گرفتند و با یادآوری آن سد از من نظر خواستند که آیا ترجمه مذکور قابل ویرایش است یا کتاب دوباره باید ترجمه شود. با مقایسه و تطبیق چند صفحه از جاهای گوناگون ترجمه چاپ‌شده و با ملاحظه بررسی زحمتی که مترجمان به‌ویژه ویراستار در پاره‌ای موارد کشیده بودند، پاسخ دادم که می‌توان آن را ویرایش کرد. از من خواسته شد ویرایش را انجام دهم که سرانجام پذیرفتم و کار را به بنده سپردند. البته هرچه پیشتر می‌رفتم و با اشکالات کار بیشتر روبرو می‌شدم، آرزو می‌کردم که کاش به جای ویرایش، پیشنهاد ترجمه دوباره را طرح می‌کردم؛ چرا که آنچه در حال انجام شدن بود، ویرایش نبود و باز ترجمه بود. به هر حال کار ویرایش پایان یافت و حاصل آن را که به پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی ارائه کردم. خود عزیزان پس از بررسی اعلام کردند که نمی‌توان این کار را ویرایش دانست؛ بلکه بی‌گمان «باز ترجمه» است. در اینجا اگر بگویم ترجمه حاضر به صورت صددرصد حاصل قلم این بنده بوده است، سخن دقیقی نگفته‌ام؛ چون بقایای ترجمه قلمی مترجمان پیشین همچنان بر جای مانده است؛ اما دست‌کم می‌توانم ادعا کنم در مورد کلیه ارجاعات و کارهایی که در ادامه به صورت فهرست‌وار در مورد تفاوت‌های این ترجمه با ترجمه پیشین عرضه می‌دارم، متن را باز ترجمه و بازنویسی کرده‌ام. خوانندگانی که تمایل دارند فهرستی کلی از اشکالات ترجمه پیشین را مطالعه کنند و از کاستی‌های آن آگاه شوند، می‌توانند به نقد پیش‌گفته مراجعه فرمایند. باین همه در اینجا سیاهه‌ای از

مهم‌ترین تغییراتی که در این بازترجمه صورت گرفته، ارائه می‌شود:

- اشتباهات پر شمار ترجمه پیشین رفع شده است. به طور میانگین می‌توان گفت در هر صفحه حدود سه - چهار اشتباه وجود داشت.

- کوشش شده ضبط صحیح اعلام و اصطلاحات هندی، اسلامی و ایرانی - با تکیه بر معنی اصلی و دست‌اول - به دست داده شود. برای آگاهی از کم‌وکیف نمونه‌ای از این قسم الفاظ که به صورت نادرست ثبت و ضبط شده بودند، می‌توان به نقدی که سخشن به میان آمد، مراجعه کرد.

- نقل قول‌های مستقیم را از منابع اصلی آورده‌ایم. این کتاب نیز همچون دیگر کتاب‌های مرحوم، سبوی ارجاعات و ارجاعات مستقیم و غیرمستقیم فراوانی دارد. در ترجمه قبلی کتاب حاوی سه ترجمه و عبارت منقول با توجه و تکیه بر متن انگلیسی به فارسی ترجمه شده بود که بدیهی است این کار امکان خلط و اشتباه افزایش می‌یابد. ما با مراجعه به اصل منابع فارسی یا عربی آن، آن را از آن منابع نقل یا ترجمه کردیم. البته چند منبع انگشت‌شمار را نتوانستیم در دسترس بخانه‌ها پیدا کنیم که به‌ناچار خود متن انگلیسی را ترجمه کردیم.

- در موارد پرشماری حتی نقل قول‌های غیرمستقیم نیز به مضمون و برداشت‌های مؤلف از منابع را نیز با مآخذ ارجاع داده شده تطبیق کرده‌ایم.

- سال‌ها و تاریخ‌ها را که در موارد بسیاری فقط به صورت میلادی آورده بود، با مراجعه به تقویم تطبیقی ووستنفلد - ماهر به تاریخ قمری تبدیل و سال قمری را در کنار سال میلادی افزودیم.

- در مواردی که منابع مورد استفاده مؤلف به فارسی ترجمه شده یا تصحیح جدیدی

انجام گرفته بود، افزون بر استفاده از این منابع، مشخصات کتاب‌شناختی آنها را نیز در پاورقی آورده‌ایم. درخور یادآوری است که پس از پایان کار بازترجمه، یک منبع مهم از منابع مورد مراجعه و ارجاع مؤلف به‌ویژه در بخش‌های آغازین انتشار یافت که متأسفانه

امکان استفاده از آن در این ترجمه فراهم نیامد. منظوم کتاب مجالس المؤمنین قاضی نورالله شوشتری است که هنگامی که مشغول بازبینی کتاب بودم، هنوز چاپ منقح هفتادی آن منتشر شده بود^۱ و مترجم به ناچار از همان چاپ دو جلدی انتشارات اسلامیّه بهره گرفته است. همچنین منبع دیگری که مترجم بسیار از آن بهره برده، تاریخ فرشته یا گزین ابراهیمی است که در آن اوان فقط جلدهای اول و دوم تصحیح منقح آن در ایران انتشار یافته به مترجم^۲ برای استفاده از بخش های تصحیح نشده و انتشار نیافته به چاپ سنائی این کتاب مراجعه کرده است. خوشبختانه به تازگی جلد های سوم و چهارم آن نیز خوشبختانه منتشر شده است.^۳

- صفحاتی از کتاب ترجمه نشده بود؛ برای مثال شش صفحه از کتاب (pp. 643-143) به فارسی ترجمه نشده بود که این بخش ها ترجمه و به متن افزوده شد. همچنین سطرهایی نیز از قلم افتاده بود که آنها را نیز به فارسی برگردانیم.

- از نظر نگارشی نیز تلاش شده تقریباً بر دقت، جمله ها روان تر باشند.

کوشیده ایم درستی و ضوابط فارسی نویسی رعایت شود. در موارد بسیاری مترجمان طبع قبلی، واژه های بیگانه ای مانند ژنرال، ترور کردن، اسکورت و مواردی که کار برده بودند که معادل های مناسبی جایگزین آنها شد.

- در ترجمه قبلی عناوین کتاب ها را ترجمه کرده بودند. روشن است که این کار به بیراهه می رود و مایه سردرگمی و گمراهی خواننده علاقه مند به پیگیری سبب و مایه به منبع مورد نظر می شود؛ از این رو عین عناوین و مشخصات کتاب شناختی را نقل کردم و

۱. قاضی نورالله بن شریف الدین شوشتری؛ مجالس المؤمنین؛ تصحیح ابراهیم عرب پور و دیگران؛ مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس، ۱۳۹۳. ناگفته نماند که تکیه بیش از حد مرحوم رضوی بر این منبع در فصل اول، به صحت و اعتبار مطالب این بخش از کتاب آسیب زده است.

۲. محمد قاسم هندوشاه فرشته؛ تاریخ فرشته؛ تصحیح و تعلیق محمدرضا نصیری؛ تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ج اول، ۱۳۸۷ و ج دوم، ۱۳۸۸.

۳. جلد سوم ۱۳۹۳ و جلد چهارم ۱۳۹۴.

همان‌گونه که گفتم، اگر ترجمه‌ای از آن در زبان فارسی وجود داشت، در پاورقی ذکر کرده‌ام.

- فصل‌بندی کتاب را بر اساس کار خود مؤلف سامان دادیم. توضیح آنکه در چاپ پیشین، فصل‌های کتاب را تغییر داده و عناوین فرعی را به فصل‌های اصلی تبدیل کرده بودند. این تغییر و تبدیل افزون بر آنکه باعث ناهمخوانی با اصل کتاب می‌شد، مشکلاتی را نیز ایجاد کرده بود؛ مثلاً از آنجاکه حجم برخی از قسمت‌های فرعی خیلی کم بود، مترجمان نتوانسته بودند آن را یک فصل مجزا کنند؛ بنابراین آن قسمت (از باب نمونه قسمت «احمدیه») را به صورت یک فصل نیاورده بودند.

- در مواردی که قلم خود را به مؤلف (مرحوم رضوی) اشتباهاتی بروز کرده بود که با مراجعه به منابع، این اشتباهات مشخص و رفع شد و در مواردی در پاورقی ذیل آن موارد توضیح داده شد.

در مورد ترجمه آیات قرآن به فارسی آقای محمدمهدی فولادوند استفاده شده است. علائم اختصاری «د» برای «در گذشته»، «و» برای «ولادت» و «م» برای «مترجم» ست. در متن، آنچه در قلاب [] آمده، از ترجمه است.

در پایان وظیفه خود می‌دانم از متولیان و همکاران دانش‌دوست و بلندهمت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به‌ویژه پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) سپاسگزاری کنم.

منصور معتزلی

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه

آدامز^۱ در اظهار نظر در بار شیوه ها و رسوم امپریالیستی در مطالعات اسلامی می گوید: «شیوه پژوهشگران غربی جز بر مواردی انگشت شمار، چنین است که آنان می خواهند اسلام را ساختمان یکپارچه ای بینند. برای معیارهای مشخصی برای عقیده و عمل است. این معیارها را نیز معمولاً با توجه به گرایش های غالب در میان اهل سنت شناسایی می کنند؛ به همین دلیل، اهل سنت را اغلب «ارتودوکس» [درست اعتقاد] می نامند. هرگاه در طول تاریخ اسلام، فرقه هایی باشند که معیارهای مذهبی آنان، با این معیارهای ادعایی تفاوت داشته یا موازین و قواعد دیگری را برگزیده اند، غریبانه تلقی داشته اند این فرقه ها و گروه ها را منحرف بدانند، نقشی خارج از جریان اصلی جامعه اسلامی به آنها نسبت دهند یا آنها را به کلی نادیده انگارند».

آدامز می افزاید: «مهم ترین قربانی تحقیقاتی گرایش «یکپارچه اندیشه» شیعه اثناعشری است که اکثریت قاطع جوامع شیعی ایران، عراق و شبه قاره هند را تشکیل می دهد. از آنجا که شیعیان به قلب و مرکز اسلام - براساس تصویری که پژوهشگران غربی از قلب اسلام دارند - تعلق نداشته اند، به آنان توجه اندکی شده است. در نتیجه هنگامی که پژوهشگران درباره معارف اسلامی به قلم دست می برند، توجه ایشان تنها به اندیشوران

اهل سنت سنی معطوف است و وقتی از تحول قوانین اسلامی بحث می‌کنند، منظورشان همان تحول فقهی در اسلام اهل سنت است. آنان معمولاً این حقیقت را می‌پذیرند که دیدگاه‌های شیعه با نظرهای اهل سنت فرق دارد؛ ولی اختلاف نظرها را ناچیز می‌دانند و به‌ندرت این ضرورت احساس می‌شود که برای درک روح عقاید شیعه و جهان‌بینی^۱ سنی آنان، نظرهایشان را به‌طور مفصل ارزیابی کنند.

آدامز با اشاره به تفاوت‌های موجود میان ویژگی‌های اهل تسنن و تشیع می‌گوید: «واقعیت مهم، این است که تفاوت‌هایی میان مسلمانان شیعه و سنی وجود دارد؛ این تفاوت‌ها عظیم و مهم است، و در پژوهشی‌های امروزی، توجه اندکی به آنها شده و سزاوار دقیق‌ترین و داناترین برداشته‌اند. حتی ممکن است فراتر از این هم، و مدعی شویم خصلت‌ها و ارزش‌های بنیادین تشیع با تسنن متفاوت است؛ زیرا مسلمانان سنی مذهب بیش از هر چیز دیگر متوجه عظمت خدای قادر متعال‌اند که به انسان‌ها امر فرموده به یک طریق معین زندگی کنند، و به‌عکس به برادر شیعه آنان، علقه‌های مذهبی خود را حول موضوعاتی مانند مصیبت، جهاد بنا می‌کند و معمولاً هنگام ابراز دینداری، عنصر بسیار شدیدتر غلبان احساسات را نشان می‌دهد. افزون بر این، شیعه معتقد است از طریق امام زنده و نمایندگان او از میان شهداء ارتباط نزدیک‌تر و مشخص‌تری با حقیقت الهی دارد. ذکر تفاوت‌های اساسی در زمینه‌های دیگر، مانند علم «حدیث» یا نقشی که برای فلسفه قایل می‌شوند، ممکن است بسیار طولانی باشد. پژوهش‌های اروپاییان - به‌ویژه فرانسویان - در مقایسه با آمریکاییان شمالی، توجه بیشتری به ویژگی‌هایی مانند اسلام شیعی نشان می‌دهد. ما پیش‌تر نوشته‌های هانری کربن^۲ را که شاید چهره اصلی در میان این پژوهشگران است، برشمردیم. این حال نیازی مبرم احساس می‌شود که به این حوزه از کوشش‌ها توجه بیشتری شود. آنچه

1. Weltanschauung.

2. Henry Corbin.

کمبودش احساس می‌شود، نگارش سلسله‌ای از آثار است که به تفصیل به تاریخ منحصر به فرد خود تفکر، عمل و تشکیلات شیعه پردازد؛ بدون اینکه برچسب «مرتد» یا «منحرف» به آنها زده شود. گنجینه‌ای عظیم اعم از مواد اولیه و پژوهش‌های ثانویه به زبان فارسی و سرببی وجود دارد که توجه و دقت پژوهشگران سختکوش را می‌طلبد.^۱

در بهار سال ۱۹۴۶ میلادی جان نورمن هالیستر برای دریافت مدرک دکترای فلسفه، رساله خود را با نام تشیع در هند به دانشکده تبلیغی کندی،^۲ در بنیاد حوزوی هارتفورد^۳ آمریکا تقدیم کرد. می‌نویسد:

توسیس در تمام در هند را به پیشنهاد دکتر موری. ت. تیتوس^۴ هنگامی که وی سودمندترین تحقیق خود را در زمینه «اسلام در هند» به انجام می‌رساند - بر عهده گرفتم. او دریافت که اگر رس تاریخی اسلام در هند تحت تأثیر و گاه زیر سیطره عوامل دیگر صورت گرفته است که بسیاری از این عوامل پیدایش، اسلامی بوده‌اند؛ هرچند با مواضع راست‌گیشانه متفاوت و ماهیت بسیاری آنها پنهان بوده است. بعضی از این عوامل بی‌گمان شیعی بوده است و نه هندوها. امکان اینکه پژوهشگر، نقش تشیع را در اسلام هندی جستجو کند، وجود دارد.^۵

1. C. J. Adams; *Islamic Tradition in Leonard Binder*, pp. 82-84.

همچنین رک:

"The Role of Shaykh of al-Tusi in the Evolution of a Formal Science of Jurisprudence among the Shi'a"

در هزاره شیخ طوسی؛ مشهد، ۱۳۵۵ هجری/۱۹۷۶ میلادی، pp. 3-24. ص ۳۲۲ - ۳۲۸. به فارسی از ملاحظاتی درباره نظریات آدامز در زمینه تطور «اجتهاد» رک: مرتضی مطهری؛ «الهامی از شیخ الطایفه» ص ۲۳۱ - ۲۳۶، [چاپ دوم؛ ص ۳۳۹ - ۳۵۸]

2. Kennedy School of Missions.

3. Hartford Seminary Foundation.

4. Murray T. Titus.

5. J.N. Hollister; *The Shi'a of India*; p. 1.

[این کتاب به فارسی ترجمه شده است: جان نورمن هالیستر در هند؛ ترجمه آذرمیدخت مشایخ فریدنی؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳. ظاهراً این قسمت در ترجمه فارسی حذف شده است.]

کتاب هالیستر به دو بخش تقسیم می‌شود: بخش اول مربوط به اثناعشریه و بخش دوم درباره اسماعیلیه و شاخه‌های آن (مستعلیه و نزاریه) است. فصل‌های اول و دوم، اصول کلی تشیع را مطرح کرده و فصل‌های سوم و چهارم، مذهب اثناعشریه را بررسی و فصل‌های پنجم و ششم، زندگی امامان اثناعشریه را مطرح می‌کند. فصل‌های هفتم تا دهم، چگونگی ظهور شیعه اثناعشریه در هند را تشریح می‌کند. این فصل‌ها، اغلب درباره تاریخ سیاسی سلسله بهمنی و سلسله‌های بعدی، دوران مغول، پادشاهان کشمیر و پادشاهی آود^۱ و^۲ بحث می‌کنند. در کتاب هالیستر، بحث روابط سیاسی حاکمان هند با پادشاهان ایرانی، به تاریخ شیعه اثناعشری کشیده می‌شود. فصل یازدهم که در زمینه محرم است، به مراسم جدید محرم در مناطق گوناگون هند می‌پردازد. فصل دوازدهم تحت عنوان «جامعه کنونی شیعه»، یادداشت‌هایی که به شیعیان در نقاط گوناگون هند و روابط شیعه و سنی را در خود دارد. این اثر بیشتر مبتنی بر منابع جدید به زبان‌های انگلیسی و اردو است. یک بی‌اعتنایی کلی به مذهب تشیع از سوی هاردی صورت گرفته است.

هاردی^۳ به تشیع بی‌اعتنایی می‌کند. وی «ریده مطالبی را که در زمینه اسلام در «هند قرون وسطا» ویراسته ویلیام تئودور دباری در کتاب منابع سنت هندی آمده، تلخیص و ترجمه کرده است. هاردی می‌گوید: «مهم‌ترین تفرقه تاریخی در تمدن اسلامی، همان است که شیعه، یعنی حزب علی به وجود آورد». هاردی به هم از نظرهای امپریالیستی درباره اسلام، شیعیان را نکوهش می‌کند. وی در توجیه نظر خود که تشیع را از اسلام در هند قرون وسطا حذف کرده است، می‌گوید: «اگرچه شیعیان در قرن اول - دوم و ازدهم هجری / شانزدهم و هفدهم میلادی در دربار مغول صاحب نفوذ بودند و در زمان

1. Awasah.

۲. سرزمین آوده، بخش بزرگی از فلات آبرفتی شمال هند است که نیپال در شمال، لاه‌آباد در جنوب، آگره در غرب و بنارس و گورگه‌پور در شرق آن قرار دارند. در سال ۱۱۳۴ هجری / ۱۷۲۲ میلادی حکومت امپراتور هند، محمد شاه آوده را به پنهانگذار آن، میر محمد امین موسوی بخشید (جان نورمن هالیستر: شیعه در هند؛ ص ۱۷۳).

3. P. Hardy.

پادشاهان و حاکمان اسلامی دکن که در قرن‌های هشتم و نهم هجری / چهاردهم و پانزدهم میلادی ظهور کردند، طرفدارانی داشتند؛ ولی سهم آنان در تفکر اسلامی قرون وسطا و در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی، آن قدر تعیین‌کننده نبود که در این مطالعات گنجانده شود.^۱

شماره‌ها در گذشته و حال به طور اهانت‌آمیزی «رافضه»، «رافضون» یا «رافضی‌ها» نامیده شده‌اند. کلمه «رافضه» (ترک‌کننده) را نخستین بار اهل سنت^۲ درباره کسانی به کار بردند که بیعت خود با زید، نوه امام حسین (علیه السلام) شکستند. زید کسی بود که نظریه ضرورت قیام مسیحانده را برای باز جستن حقوق خود را مطرح کرد و معتقد بود شخص با فضیلت کمتر می‌تواند امامت یا نشین شخص با فضیلت بیشتر شود.^۳ به تدریج واژه «رافضی» درباره تمام شیعیان علی (علیه السلام)، اهل بیت (علیهم السلام) به ویژه «غلات»، به کار رفت.^۴ برخی از مراجع اهل سنت، شیعیان را به بدعت‌گذاری و کفر محکوم می‌کنند. خاورشناسان، با قیاس گرفتن از کلیسای روم، شیعیان را به تفرقه‌جویی متهم می‌کنند. هاردی نیز دنباله‌رو همین خط است.

با این حال شیعیان معتقدند اهل بیت (علیهم السلام) حافظان کل مجموعه وحی الهی و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) هستند در نتیجه پیروان آنان نسبت به فرقه‌های اسلام دیگر نزدیک‌ترین افراد به سنت و شریعت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) هستند. شیعیان، اصحاب و همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) را محترم می‌شمارند؛ ولی عملکرد آنان را در پرتو تداوم پیرویش از پیام و اهل بیت (علیهم السلام) ارزیابی می‌کنند.

۱. Wm. Theodore de Bary, *Sources of Indian Tradition*; pp.374, 377.

۲. به نظر می‌رسد نخستین بار زیدیه از این واژه استفاده کرده‌اند؛ نه اهل سنت.

۳. این باور فرقه زیدیه است؛ اما خود «زید بن علی» چنین عقیده‌ای نداشته است؛ بلکه او معتقد بود درحالی‌که امام واقعی و معصوم، زنده، ولی ساکت و قاعد است، شخص دیگری می‌تواند با اذن او قیام کند (برای آگاهی بیشتر درباره زید، عقاید و قیام او، رک: سیدابوفاضل رضوی اردکانی؛ شخصیت و قیام زید بن علی).

۴. در کاربرد واژه «رافضی» برای غلات محل بحث است؛ این واژه بیشتر به شیعیان پیرو اهل بیت (علیهم السلام) گفته می‌شد.

امام علی بن ابی طالب (ع) [پسرعمو و داماد پیامبر (ص)] و «دروازه علم»، شالوده آموزه‌ها و سنت‌های معنوی را که پیامبر (ص) [بنیاد نهاده بود، تقویت کرد. جانشینان و پیروان او با حدیث و پشتکار، گام جای پای پیشوای خود نهادند و از او پیروی کردند. جر و شکنجه شیعیان و نابود کردن کتابخانه‌هایشان، جهان را از مجموعه سنت‌های فکری بنیادین آنان محروم کرد. آثار مربوط به کتاب‌شناسی و رجال شیعه، تنها بخش کوچکی از خدمات امامان (ع) و اصحابشان را نشان می‌دهد. تنها شماری از این آثار باقی مانده است. برخی از علمای بعدی در تألیفات خود، اغلب در حفظ آثار موجود کوشیدند و به نقد و بررسی آن‌ها پرداختند. در زمان حکومت اکبر شاه مؤلفان تاریخ الفی نتوانستند به منابع اسماعیلی دست یابند. در نوشته‌های معتبر اهل سنت، روایاتی درباره عقاید و تاریخ اثناعشریه وجود دارد که در رشته‌های شیعه یافت نمی‌شود و با بسنده کردن به نوشته‌های اهل سنت، ارزیابی صحیح از شیعه اثناعشری امکان‌پذیر نیست.^۱

بسیاری از دانشمندان و پژوهشگران سنی، ترس از شکنجه و آزار اهل سنت، هویت خود را آشکار نمی‌کردند. با این حال، عقاید بعضی از آنها در زمان زندگی‌شان و یا قرن‌ها بعد آشکار شد. تنها شماری از اندیشوران شیعی باورهای مذهبی خویش را در آثارشان منعکس کرده‌اند. روش اهل سنت در رد احادیث - بدون آنکه یک یا چند تن از راویان در سلسله سند حدیث، شیعه بودند - موجب شد نام بسیاری از دانشمندان شیعه محفوظ بماند.

تاریخ‌نگاران اهل سنت، آزار و شکنجه شیعیان به دست خلفا و حاکمان سنی را می‌ستودند. پژوهشگران سنی هند نیز برای اثبات علاقه فرمانروایان آن سرزمین به

۱. تاریخ الفی را گروهی از دانشمندان در دوران اکبر شاه نگاشتند (کتابخانه دیوان هند، مخطوطه لندن، اته ۱۱۲، ۴، ۲۹۵ الف). [این کتاب در ده جلد به چاپ رسیده است. قاضی احمد ثنوی و آصف خان قزوینی: تاریخ الفی؛ تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲. مطلب مورد نظر مؤلف در ج ۴، ص ۲۵۳ آمده است].

ترویج قوانین مقدس «شریعت مشهور تسنن» از اشاره به آزار و شکنجه شیعیان به دست فرمانروایان، تردید به خود راه نمی‌دهند. ملا عبدالقادر بدایونی، تاریخ‌نویس دربار اکبر شاه در سده دهم هجری / شانزدهم میلادی از سیاست حمایت شیعه که شاه به دلایل سیاسی در پیش گرفته بود، احساس خطر می‌کرد. براساس نوشته بدایونی، شمار شیعیان در دین او چندان زیاد نبود؛ ولی برای حفظ مسلک اهل سنت، وی از حامیان این نظر بود که باید این حرکت را در نقطه خفه کرد؛ وگرنه آنان همانند ابن علقمی،^۱ وزیر اعظم مستعصم عباسی (۶۵۶ق / ۱۲۴۲-۱۲۵۸م) پادشاهی مغول را به طور خائنانانه نابود می‌کنند. سرنتیج، نزدیک اب منتخب التواریخ بدایونی، پی در پی از شیعه که به نظر وی ستون پنجم اند، تسنن به میان آمده است.

ذخیره الخواتین تألیف شیخ فرید همکری (۱۰۶۰-۱۰۶۱ق / ۱۶۵۰-۱۶۵۱م) و متأثر الأمراء به قلم نواب صمصام شاه نواز،^۲ در بردارنده زندگی‌نامه رجال و بزرگان مسلمان و هندو که در فاصله سده‌های ۱۱۹۲-۱۲۰۰ هجری / ۱۵۰۰-۱۷۸۰ میلادی در دربار مغول بوده‌اند، بیانگر عقاید مذهبی برخی اعیان و اشراف است. در منابع

۱. مؤیدالدین ابوطالب محمد بن احمد (محمد) بن علی اسدی مشهور به «ابن علقمی» آخرین وزیر در خلافت عباسی است که همزمان با وزارت او حکومت عباسیان برچیده شد. وزارت او از ۶۱۰ هجری آغاز شد و تا سقوط بغداد (۶۵۶ق) یعنی چهارده سال ادامه یافت. ذهی از او با عنوان وزیر کبیر یاد کرده و او را مدیر و توانا بر ایجاد نظم و آگاه به کشورداری معرفی کرده است (ذهی: تاریخ الاسلام؛ ج ۴۸، ص ۱۰۰). وی دانشمندی زبردست بود و به همین دلیل، اهل علم را در دوره وزارتش گرامی می‌داشت. علمای اهل سنت و شیعه را به رسمت و احترام می‌گذاشت. او با هولاکو در براندازی خلافت عباسیان، از او با واژگانی تند و زننده یاد می‌کنند؛ ولی باید دانست که داوران این همکاری، شایعه‌ای بود که دشمنان او (ایبک دواتدار، فرمانده نظامی بغداد و احمد، فرزند مستعصم) برای این همکاری، او را به خلیفه و وزیرش اختلاف داشت، می‌خواست خلیفه را برکنار کند و پسرش را به جای او بنشاند؛ ولی ابن علقمی این توطئه را کشف و خلیفه را آگاه کرد و دواتدار بازخواست و سرزنش شد. پس به منظور انتقام، چنین شایع کرد که وزیر با مغولان ارتباط دارد و برای رفع همت از خود، وی را متهم کرده است (ارک: مصطفی صادقی کاشانی؛ دوئشمردان شیعه در دستگاه خلافت عباسی؛ نقل از: رشیدالدین فضل‌الله همدانی؛ جامع التواریخ؛ ج ۲، ص ۹۹۶. ابن کثیر: البدایة والنهایة، ج ۱۳، ص ۲۰۰).

۲. عبدالقادر بدایونی: نجات الرشید؛ ص ۳۶۹-۳۷۰.

دیگر، تنها به طور اتفاقی می توان درباره عقاید مذهبی رجال مغول اطلاعاتی به دست آورد؛ برای نمونه شاه نواز خان درباره عقاید مذهبی احمدیگ خان، برادرزاده ابراهیم خان فاتح جنگ هیچ توضیحی نمی دهد. ابراهیم خان پسر اعتمادالدوله میرزا غیاث بیگ برادر ررجهان بود. یوسف میرک بن میرابوالقاسم نمکین مؤلف کتاب مظهر شاه جهانی من توصیف جنایت ها و بی رحمی های احمدیگ خان، حاکم سیوستان و برادرش میرزا یوسف، گوید: «روشن است که تشیع، آزار و شکنجه سنی ها را بهترین عبادت می داند».^۱ اگر احمدیگ خان حاکم مهربانی بود، یوسف میرک هرگز درباره عقاید مذهبی احمدیگ خان چیزی را نمی گفت. کتاب حاضر (تاریخ اجتماعی - فکری شیعه در هند) بر اساس این اطلاعات پراکنده در منابع معاصر با دوره های مورد بحث و نزدیک به آن دوره ها نگاشته شده و بر آن هیچ تلاشی برای تحمیل تشیع بر شخصیت های مورد بحث انجام نگرفته است.

ساختار سیاسی حکومت فرمانروایان شیعه دکن و ساختار سیاسی حکومت صفویه در ایران نیز بر اساس نظام اداری خلفای عباسی و سلسله حکمرانان ترک در ایران پایه گذاری شده بود. نه پادشاهان صفوی ایران، نظریه یا شیق سیاسی جدیدی از ساختارهای مرکزی یا ایالتی حکومت خود ارائه کردند و نه حکمرانان شیعی دکن. شیوه سنتی حکمرانی که غزالی طرح کرده بود، مبنای اصلی حکومت شیعه در هند، تنها تفاوت، این بود که پادشاهان شیعه، امام دوازدهم (عج) را حاکم بالفعل جهان و نماینده او می دانستند.^۲ تأثیر شیعه به سبب نقش رجال و علمای شیعه، امری محسوس بود برخلاف حاکمان و وزیران، نقش مهمی در ترویج تشیع در دکن ایفا کردند. نفوذ تشیع در دیگر

۱. یوسف میرک؛ مظهر شاه جهانی؛ ص ۱۵۶.

۲. باید توجه داشت که همیشه این گونه نبوده است. این مسئله بیشتر در دوره صفویه ادعا شد؛ و گونه شیعه به جانشینی عام فنها و عالمان دینی به جای امام دوازدهم باور دارد؛ نه هر سلطانی که ادعای سلطنت و حکومت داشته باشد.

هند در سده‌های دهم و یازدهم هجری / شانزدهم و هفدهم میلادی شکل آشکاری به خود گرفت؛ علت این امر، مسامحه‌های فکری رجال شیعه دربار شاهان مغول بود. در پی پاست همزیستی مسالمت‌آمیز اکبرشاه و جانشینانش که با یاری برخی وزیران و رایان شیعی، شاهان مغول به تقویت آن پرداختند، شیعیان توانستند زندگی آرامی داشته باشند و در همه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فکری با هم‌عصران خود رقابت کنند؛ در نتیجه، دینمندان شیعه، اثری ماندگار بر زندگی اداری، فرهنگی و اجتماعی هند بر جای نه‌دند. تا سال ۱۸۵۹ میلادی، شیعه به محیط فکری هند در سده‌های دهم و یازدهم هجری / شانزدهم و هفدهم میلادی، بررسی گسترده‌ای را می‌طلبید و نوشته حاضر، کوششی ناچیز در این راستا است.

تأسیس حکومت‌های شیعی در سده‌های شانزدهم و هجدهم میلادی در ایالت‌های بنگال و اوده و سیطره روزافزون بر بخش شیعه بر این حکمرانان که نمی‌توانستند از قدرت خود دفاع کنند، شیعیان را بر آن داشت که با آشکارا اعلام کنند، اندیشمندان سنی همچون شاه ولی‌الله دهلوی (۱۱۴۵ - ۱۲۱۴ ق / ۱۷۳۲ - ۱۷۶۲ م)، پسرش شاه عبدالعزیز دهلوی (۱۱۵۹ - ۱۲۳۹ ق / ۱۷۴۶ - ۱۸۲۰ م) و قاضی ثناءالله پانی‌پتی (۱۱۳۸ - ۱۲۴۵ ق / ۱۷۲۵ - ۱۸۲۹ م) طلایه‌داران حرکتی مدنی که به شیعیان رویارویی با موج تشیع و گرایش‌های «تفضیلیه» اهل تسنن بود. دانشمندان شیعه نیز غرق رد و نقض نوشته‌های جدل‌آمیز اهل سنت شدند.

نوشته‌های جدیدی که دربارهٔ تک‌تک سلسله‌های حاکم بر هند به نگارش درآمده‌اند، اشاره‌ای گذرا به تشیع می‌کنند؛ برای نمونه در دو جلد کتاب تاریخ دکن در قرون ویراسته شروانی^۲ و جوشی^۳ به اصطلاح به کارهای ناشایست شیعه اشاره می‌شود؛ ولی

1. *History of the Medieval Deccan.*

2. H.K. Sherwani.

3. P.M. Joshi.

هیچ‌گونه اطلاعاتی دربارهٔ تشیع به خواننده داده نمی‌شود. در جلد دوم این کتاب که منحصراً دربارهٔ هنر، معماری، ادبیات، تصوف و تحولات اجتماعی بحث می‌کند، حتی یک فصل نیز به شیعه اختصاص داده نشده است. در یک کتاب تاریخی که یک سنی تألیف می‌کرد، شیعه را بدعت‌گذار قلمداد می‌کرد و آن را چنان بی‌ارزش می‌دانست که برای آن، جای در کتاب خویش در نظر نمی‌گرفت؛ درحالی‌که می‌دانیم بسیاری از حکمرانان دولت‌های پیایی بهمنی، شیعه بوده و کمک‌های بی‌مانندی به گسترش تشیع در هند کرده‌اند.

تاریخ‌نگاران مدرن، که دربارهٔ حکومت مغول در هند مطلب نوشته‌اند، به‌ندرت به شیعه اشاره می‌کنند. تاریخ‌نگاران ادیان و تصوف برای باشکوه نشان دادن تصویری که از احیای سنی به دست می‌دهد،^۱ واقعیت‌های مربوط به تشیع و رهبران شیعی هند را تحریف می‌کنند. در نشست‌های شیعه از حرکت ضدشیعی شاه ولی‌الله، ک.ا، نظامی اظهار می‌کنند: «... کتاب از الة الخفاء (کتاب از اله پنهان) است که خاصیت خاصی است که میان علمای شیعه و سنی رواج داشت ... سیددلدار علی در این هنگام بر ضرورت نماز جماعت جداگانه برای شیعیان، تأکید می‌کرد».^۲ این جمله، نشانگر جهل عمیق نظامی در مورد دانشمندان شیعه هند است. شاید او نمی‌داند که سیددلدار علی در سال ۱۱۶۶ هجری / ۱۷۵۲ - ۱۷۵۳ میلادی به دنیا آمد؛ درحالی‌که شاه ولی‌الله در سال ۱۱۷۲ هجری / ۱۷۶۲ میلادی درگذشت و سیددلدار علی در سال‌های پایانی عمر شاه ولی‌الله به سلطنت ادایی خود را می‌گذراند. کتاب تحفة اثناعشریه به زبان فارسی، تألیف شاه عبدالعزیز سوجب پدیدآمدن نوشته‌های بسیاری در دفاع از شیعه به زبان فارسی و بعدها به دست. کتاب‌هایی که شیعه و سنی در رد یکدیگر نوشته‌اند، بی‌شمار است. چیزی که ضرورت

۱. مرحوم رضوی در اینجا بر نظامی خرده می‌گیرد که چرا به حرف «خ» در «خفا» کسره داده؛ حال آنکه درست آن، به فتح است (م.ا).

2. S.T. Lokhandwala (ed.); *Indian Contemporary Islam*; p.434.

دارد و کمبود آن احساس می‌شود، یک تجزیه و تحلیل علمی درباره نقش فکری شیعه در جنبه‌های دیگر زندگی است.

اندیشمندان و دانشمندان شیعه - بر خلاف اندیشمندان اهل سنت - طرفدار غزالی (۲۰۰ - ۵۵۵ هـ.ق / ۱۰۵۸ - ۱۱۱۱ م) - مطالعه علوم و فلسفه را منع نمی‌کردند؛ بلکه به طم بستمگیری علوم و فلسفه را غنا بخشیده‌اند. دانشمندان شیعی در سال‌های آغازین سده دوازدهم هجری / هفتم میلادی به فلسفه و علوم اروپایی بسیار علاقه‌مند شدند. نوشته حاضر، تأثیری کلاسیک و غربی بر دانشمندان و فیلسوفان شیعه و نیز سهم علمای سلف در غنی کردن علم و فلسفه را تجزیه و تحلیل می‌کند.

تا پایان قرن هجدهم میلادی / اندیشمندان شیعی در هند، اغلب مهاجران ایرانی بودند. از اواخر سده سیزدهم هجری / هجدهم میلادی شیعیان متولد در هند، غنی‌سازی زندگی فکری کشور را آغاز کردند؛ در نتیجه تاریخ فکری شیعیان در هند، همان تاریخ مهاجران ایرانی است که آمیزه‌ای از بهترین سنت‌های فکری و ادبی خود با فرهنگ و جامعه هند را فراهم آوردند.

کتاب حاضر بر اساس منابع معاصر و منابع نزدیک به معاصر دوره تاریخی مورد بررسی، تدوین شده است. دوره تاریخی مورد مطالعه در این کتاب، آیدر آیدر دوره و منابع آن به اندازه‌ای گوناگون‌اند که امکان بررسی انتقادی آنها در اینجا وجود ندارد. شرح مفصل منابع عربی را می‌توان در کتاب بروکلمان^۱ مطالعه کرد. کتاب استوری^۲ (که ناقص است)، یک کتاب‌شناسی به همراه شرح احوال است و بهترین کتاب راهنما در زمینه منابع فارسی به‌شمار می‌رود. کتاب کشف الحجب والاستار نوشته اعجاز

1. Brockelmann; *Geschichte der Arabischen Literatur*; Weimar Berlin, 1898-1902.

2. Storey, C.A; *Persian Literature*.

[این کتاب به فارسی ترجمه شده است؛ ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری؛ ترجمه یحیی آرمین‌پور و دیگران؛ تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲، در دو جلد].

حسین کنتوری، یکی از آثار کتاب شناختی مهم شیعه است. کتاب الذریعة الی تصانیف الشيعة تألیف آغا بزرگ طهرانی در چندین جلد، اثر جامع تری است. فهرست منابعی که در این کتاب از آنها استفاده کرده‌ام، در بخش کتاب‌شناسی آمده است.

مشکلات موجود در زمینه چاپ، ناشران را بر آن داشت تا کتاب حاضر را در دو جلد نشر کنند، جلد نخست، در بردارنده رویدادهای تاریخی از دوران حضرت محمد [ﷺ] تا هنگام شهادت قاضی نورالله شوشتری در جمادی‌الثانی ۱۰۱۹ هجری / سپتامبر ۱۶۱۰ میلادی، است. اصل‌های مربوط به مبارزه‌های شیعه برای بقا در هند شمالی، علمای شیعه، خدمات شیعه، مدیسه علم و ادبیات در هند، برگزاری مراسم بزرگداشت فاجعه کربلا (عاشورا) و شیعه نجددگویی، در جلد دوم آمده است.

www.Keelab.ir